

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

تحلیلی از رابرت اینلاکش
برگردان: مینا صابری
۰۱ دسمبر ۲۰۲۲

هوشدارهای ایران در مورد ناآرامی های داخلی باید جدی گرفته شود

اگر آشفتگی در ایران ادامه یابد، پیامدهای منطقه ای آن می تواند شدید باشد. آنچه در آینده اتفاق می افتد بستگی به این دارد که آیا غرب و متحدانش به علانم هوشدار دهنده تهران توجه کنند یا خیر.



Gettyimages.ru Kaveh Kazemi / Kontributor

در بحبوحه ناآرامی های ادامه دار در ایران، تهران هم اسرائیل و هم سازمان های اطلاعاتی غربی را به دامن زدن به جنگ داخلی در جمهوری اسلامی متهم کرده است. تأثیر این اتهام در جهت گیری سیاست دولت ایران را نمی توان ساده انگاشت.

در هشت هفته گذشته، امواج ناآرامی سیاسی ایران را فرا گرفته است، از اعتراضات برای حقوق زنان گرفته تا شورش های تمام عیار و حملات تروریستی. در این مدت رسانه ها، سیاستمداران و شخصیت های عمومی غربی برای محکوم کردن و تلاش برای مشروعیت زدن از حکومت ایران وارد عمل شده اند.

با گذشت هفته ها، خشونت ها و لفاظی های دولت ایران و سپاه پاسداران ایران (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) تشدید شد. اکنون به نظر می رسد تهران در آستانه کنار گذاشتن محدودیت های خود در مقابله با این اتفاقات است. بحث های زیادی در مورد آنچه در ایران می گذرد وجود داشته است و در حالی که رمزگشایی جزئیات دقیق ناآرامی های اخیر در این کشور می تواند دشوار باشد، یک چیز مسلم است – غرب به شدت درگیر تضعیف اقتدار تهران است.

بدیهی است که دولت امریکا علاقه زیادی به تغییر رژیم در ایران دارد. جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا حتی در سخنرانی اخیر خود اعلام کرد که «ایران را آزاد خواهد کرد» در حالی که دولتش فعالانه کمپین تحریم‌های «فشار حداکثری» را که در دوره دونالد ترامپ آغاز شده بود، فعالانه اجراء کرده یا حتی تشدید می‌کند.

به ویژه در چند هفته گذشته، ایران شاهد تشدید حملات در قالب حملات اغتشاشگران و گروه‌های تروریستی بوده است که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان و افسران پولیس ایرانی شده است.

دو هفته پیش در دو حمله تروریستی جداگانه در استان‌های خوزستان و اصفهان حداقل ده نفر کشته شدند. تهران بیشتر مقصر حملات به سازمان‌های اطلاعاتی غربی و همچنین رسانه‌های فارسی‌زبانی است که توسط عربستان سعودی تأمین مالی می‌شوند.

در این راستا، وقتی ناآرامی‌های جاری، تحریم‌های فلج‌کننده امریکا علیه ایران و انزوای غرب این کشور در صحنه بین‌المللی را با هم ترکیب می‌کنیم، باید واکنش‌های مقامات تهران را بسیار جدی گرفت.

در اوایل نومبر، رسانه‌های امریکائی شروع به صحبت در مورد تحلیل‌های اطلاعاتی عربستان سعودی کردند که به تهدید قریب الوقوع ایران برای عربستان سعودی اشاره می‌کرد. اگرچه هیچ تکذیب یا تأیید رسمی ایران وجود نداشت، پوشش رسانه‌های دولتی ایران به نظر می‌رسید نشان می‌دهد که حمله به عربستان سعودی ممکن است قریب الوقوع باشد.

همچنین در سخنان تهران به ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، اشاره فزاینده‌ای وجود داشت. همزمان با حمله راکتی ایران در سال ۲۰۲۰ به پایگاه نظامی عین الاسد عراق که بیش از ۱۰۰ ضربه مغزی را در میان سربازان امریکائی ایجاد کرد، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت ایران، گفت: این حمله فقط یک سیلی به صورت بود و نه یک مشت کامل.

وقتی خامنه‌ای اخیراً تأکید کرد که ایران حق انتقام از قتل سلیمانی را برای خود محفوظ می‌دارد، باید به آن توجه می‌شد. تهران بارها به مخالفان منطقه‌ای خود هوشدار داده است، به‌ویژه اکنون که مذاکرات درباره توافق هسته‌ای متوقف شده است و تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی هنوز پیشرفتی نداشته است. به نظر می‌رسد آخرین هوشدار در سواحل عمان، جایی که یک پهپاد کامیکازه دو هفته پیش به یک نفتکش برخورد کرد، رسیده است.

این نفتکش با یک میلیارد اسرانیلی ارتباط دارد و هم اسرائیل و هم امریکا ایران را به انجام این حمله متهم کرده‌اند. جنگ متعارف امریکا علیه جمهوری اسلامی دور از ذهن است.

اگر امریکا مانند جنگ عراق دست به حمله بزند، نه تنها در تسخیر خاک ایران با مشکل مواجه می‌شود و شکست‌های زیادی را متحمل می‌شود.

بلکه متحدان منطقه‌ای ایران، همراه با زرادخانه راکت‌های بالستیک، می‌توانند متحدان و تأسیسات نظامی و اشنگتن در سراسر خاورمیانه را ویران کنند. به نوعی، چنین جنگی مساوی با سناریوی پایان جهان خواهد بود.

بنابراین، تنها گزینه‌ای که امریکا و متحدانش برای ایجاد تغییر رژیم در تهران دارند، ناآرامی‌های داخلی در ایران و تحریم‌های اقتصادی است.

با توجه به مخالفان احتمالی در جنگ نیابتی، شرایط خطرناکی برای ایران وجود دارد که می‌تواند جمهوری اسلامی را به وضعیت جنگ داخلی سوق دهد.

جمعیت ایران در حال حاضر کمی بیش از ۸۸.۵ میلیون نفر است که تنها ۶۱ درصد از آنها فارس هستند. بقیه اقلیت‌های مختلف هستند. در جریان ناآرامی‌های اخیر، تشکل‌های کرد مسؤول بسیاری از اقدامات ضد دولتی در میان

گروه‌های اقلیت بوده‌اند، در حالی که گروه‌های عرب و بلوچ در جایی که تنش‌های امروزی وجود دارد برجسته‌تر هستند.

اما قبل از ادامه، باید توجه داشت که اکثر ایرانیان این گروه‌های اقلیت به دنبال براندازی دولت یا دستیابی به تغییر رژیم در ایران نیستند. گروه‌های کرد مسلح با مواضع ضد ایرانی دولت می‌توانند به طور بالقوه مشکل بزرگی برای ایران ایجاد کنند.

با این حال، تلاش‌های قبلی برای تحرکات مسلحانه به سرعت توسط سپاه پاسداران سرکوب شد. ستیزه جویان کرد طی هشت هفته گذشته پس از بیرون آمدن از ایران در نزدیکی مرز ایران، چندین بار در عراق مورد حمله قرار گرفته‌اند. قدرت جنبش‌های سیاسی و نظامی کردها از مکان‌های گسترده عملیات آنها ناشی می‌شود: از عراق تا سوریه و ترکیه. شورش ترکیبی کردها که تهران را با منابع قابل توجهی هدف قرار می‌دهد می‌تواند یک مشکل واقعی باشد. با این حال، از آنجایی که انقاره به سرکوب جناح‌های کرد پیش از انتخابات ترکیه ادامه می‌دهد، بعید است که چنین تنش‌هایی در این مرحله محقق شود.

با این حال، بزرگترین تهدید می‌تواند از درون، از سوی اقلیت آذربایجانی در شمال ایران باشد. حدود ۱۶ درصد از ایرانیان آذربایجانی الاصل هستند که آنها را بزرگترین اقلیت کشور می‌کند. این بدان معناست که حتی اگر درصد کمی از آنها به یک جنبش مسلحانه بپیوندند، تهران را با مشکل بزرگی مواجه می‌کند.

اگر ناآرامی در ایران چه ناشی از نفوذ غرب، عربستان و اسرائیل باشد، یا نباشد اگر به زودی فروکش نکند، تهران وارد عمل می‌شود. ایالات متحده اکنون باید بپذیرد که موقعیتش در منطقه دیگر موقعیت هژمونی انحصاری نیست. در اختیار گرفتن قدرت نظامی منطقه ای مانند ایران با تلاش برای سرمایه‌گذاری بر اختلافات داخلی خود، پیامدهایی برای کل منطقه خواهد داشت.

آنچه در آینده اتفاق می‌افتد بستگی به این دارد که آیا غرب و متحدانش به علائم هوشدار دهنده تهران توجه کنند یا خیر.